

چه گوارا و سوسیالیسم مصادره شدنی نیستند

فؤاد شمس

پنج شنبه 27 سپتامبر 2007, بوسیله ی دیاکو

مصادره گفتمان ها و آرمان های انسانی یکی از پایه های اساسی حاکمیت در ۳ دهه اخیر بوده است. البته مصادره کردن آن ها به همراه قلب المعنا کردن آن ها صورت می گرفته است.

از ابتدای قیام بهمن ۵۷ گفتمان ضد امپریالیستی با تلفیقی از ملی گرایی و ناسیونالیسم ایرانی مصادره شدند تا در خدمت گسترش اسلام سیاسی و زندگی انگل وار آن در کنار مناسبات جهانی سرمایه داری در خاور میانه باشد.

در ادامه این پروژه با روی کار آمدن دولت جدید که گویا به خاطر کسب امتیازات بیشتر بر سر میز مذاکره با سرمایه داری جهانی به سرکردگی آمریکا نیاز دارد که بر رنگ و لعاب شعار های ضد امپریالیستی اش جلای تازه ای بدهد کلید خورد.

این پروژه با دعوت از روسای جمهور ونزولا و نیکاراگو و حمایت از جنبش های ضد آمریکای در کشور های آمریکای لاتین و آغاز شد اما در آخرین اقدام به بن بست رسید. دعوت از فرزندان ارنستو چه گوارا انقلابی افسانه ای قرن ۲۱ و سخنان محکم دختر او در دفاع از سوسیالیسم و اصول ماتریالیسم دیالکتیک موجب آن شد که در میان جناح های مختلف نزدیک به حاکمیت و دنباله چه های دانشجویی آنان هراس بیافتد.

برای بررسی این امر باید چند نکته را در نظر گرفت. اگر چاوز و اورتگا به خاطر منافع کوتاه مدت اقتصادی شان حاضرند از اصول خود کوتاه بیایند مطمئنا فرزندان بزرگترین ارمان گرای قرن ۲۰ حاضر نیستند ارمان شان را فدای منافع کوتاه مدت بکنند.

آیا ضدیت با امپریالیسم مبنای مشترک است؟

به گمان برگزار کندگان نشست "چه مثل چمران" ۱ صرفا مبارزه با آمریکا می تواند مبنای دستی برای اتحاد باشد. این گمانه متاسفانه در مان چپ ایران نیز سابقه داشته! اما دختر چه گوارا زمانی که از حقوق زن در جامعه صحبت می کند. زمانی که اعلام می کند پدرش یک ماتریالیست بوده که هیچ گاه با خدا ملاقات نداشته و زمانی که اعلام می کند پدرش به هیچ حقیقت مطلق ایمان نداشته دارد خطوط تفاوت را با اسلام گرا های ضد آمریکایی و ناسیونالیست های وطن پرست ضد خارجی روشن می سازد. البته این صورتبندی فورمالیستی و ظاهری است. مبنای درست خط کشی این ضدیت باید بر اصول پایه ای یعنی منافع طبقاتی باشد.

اسلام سیاسی از نظر دگرگون ساختن روابط طبقاتی - اجتماعی هیچ آلترناتیوی در مقابل نظم سرمایه داری نداد. این ها تنها انگل وار بر این نظم چسبیده اند و می خواهند از آن برای خود امتیاز بگیرند.

البته به نظر می رسد که در آینده نه چندان دور چاوز و اورنگا دیگر چپ گرایان آمریکای لاتین نیز باید تکلیف خود را روشن کنند. آنان نیز یا باید بین منافع آنی و زودگذر خود که مبتنی بر گرفتن کمک های مالی از نظام ایران است و منافع واقعی و بلند مدت طبقاتی که گره خورده با طبقه کارگر ایران و مردم آزادی خواه ایران است یکی را انتخاب کنند. البته این انتخاب به تلاش مبارزان سوسیالیست و آزادی خواه ایران نیز بستگی داد.

تفاوت چمران و چه گوآرا ؟

در چند سال اخیر می خواهند چمران را جای چه گوآرا جا بزنند که البته این امر مورد اعتراض طیف های صادق تر اسلام گرایان قرار گرفته است در این زمینه مسئول بسیج دانشگاه شاهد می گوید: " چمران و چه گوآرا به هیچ وجه قابل مقایسه نیستند." ۲.

البته نباید تصور کرد که این بسیجی ها صادق و ساده دل ادامه دهندگان واقعی چمران هستند بلکه چمران عضوی از جریان نهضت آزادی بود. در این باره در سطور پایین تر خواهیم پرداخت.

اما در ادامه نکته بسیار خوبی از طرف این بسیجی عزیز و شاهد مطرح می شود ایشان در مود تفاوت چمران و چه گوآر می گوید: " شهید چمران يك مجاهد، مسلمان ، عارف، انقلابي و شيعه بوده است و چه گوآرا فردي با عقايد كاملا مادي وغيرالهي بوده است. تنها نقطه مشترك آنها، داشتن روحيه مبارزه با ظلم است اما مقايسه اين دو در ساير جهات جفا به شهيد بزرگوآر ايران خواهد بود." ۳

ما نیز تاکید می کنیم که چمران کسی بود که در جهاد انسان ها را تنها به خاطر عقاید شان که متفاوت از عقاید مسلمانان بود می کشت. کسانی که در فلسفه جهادی آنان را کافر می نامند. ما هم تاکید داریم چمران فردی بود که به خاطر توجه عقب ماندگی مادی و عینی جوامع شرقی به تخریبی به نام عرفان پناه می برد و البته تاکید داریم چمران پیرو مکتبی است که حقوق زنان را نیمی از مردان به حساب می آورد مکتبی که انسان ها را به جرم روابط جنسی متفاوت اعدام می کند مکتبی که در آن شلاق و سنگسار و اعدام جز امور متداول هستند. البته در این جا بر این نکته نیز تاکید داریم که هیچ قضاوت اخلاقی در بین نیست. بلکه تنها این کلمات را با مصادیق عینی برای مخاطبان معنا کردیم.

اما چه گوآرا فردی بود که بر مبنای عقاید مادی یا همان اصول علمی ماتریالیسم دیالکتیک برای رفع مناسبات نامطلوب نظام سرمایه داری مبارزه می کرد. البته در جای خود روش و دست آورد های او البته در چارچوب همان اصول سوسیالیسم علمی قابل نقد است. اما مشکل اش این نبود که الهی نبود ! حال خود این عبارت این دانشجوی شاهد بسیجی را معنا کنید که می گویند: " تنها نقطه مشترك آنها، داشتن روحيه مبارزه با ظلم است اما مقايسه اين دو در ساير جهات جفا به شهيد بزرگوآر ايران خواهد بود" ۴

به واقع جفا در حق چه کسی دارد روا می شود؟ جفای واقعی در حق چه گوآرا است که او را با کسی مقایسه می کنند که هنوز هم در کردستان ایران هر غبار راه او را لعنت می کنند . کسی که مادران داغدار زیباترین فرزندان آفتاب و باد در کردستان ایران از ظلم و ستمی که چمران و امثال او در جنگ داخلی به مردم آن جا کرده اند سر از سجاده باز نگرفته اند! آقایان منصف باشید! لطفا نام چه گوآرا را لجن مال نکنید!

چمرانی که در سر مسئله جنگ داخلی کردستان به جرات می توان گفت که در دفاع از مام میهن و نظم سرمایه داری و... سنگ تمام گذاشت. چمرانی که در هر گوشه گوشه ی کردستان اکنون هزاران خانواده داغدار کشتار هایی هستند که او در سال های انتهایی دهه ۵۰ به راه انداخت؟!

این است چهره واقعی چمران! ای کاش به دختر چه گوارا این ها را می گفتیم تا بهتر بداند با چه کسانی برخورد دارد! اما رفقای چپی که هنوز در فکر اتحاد ضد امپریالیستی با این قبیل عناصر هستند باید اندکی تاریخ را مرور کنند!

میزان اعتقاد لیبرال های وطنی به آزادی بیان

البته جالب ترین نکته میزان تحمل لیبرال های وطنی در مقابل تفکرات چپ است که در داستان سخنرانی دختر چه گوارا نمود واضح تری پیدا کرد. البته این امر به سابقه تاریخی لیبرالیسم وطنی ایرانی - اسلامی باز می گردد. ریشه هایش را به طور مثال در تشکل نهضت آزادی که نماینده واقعی این جریان فکری است می توان یافت. چمران نیز عضوی از این تشکل است.

حال ادامه دهنده گان راه این لیبرالیسم وطنی، انجمن اسلامی هایی که دست پخت "جناب مهندس بازرگان بانی نهضت آزادی" در دانشگاه می گویند نباید تریبون به جریانات مارکسیستی داد: " دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران گفت: نباید تریبون را به دست کسانی داد که از اندیشه های مارکسیستی و الحادی خود دفاع می کنند " ۵

البته ایشان واقعا جانب انصاف را رعایت کرده و به درستی تبیین آرمانی بین سوسیالیسم و اسلام را بیان کرده است: " وی ادامه داد: این که از تریبون يك تشکل رسمي در جمهوری اسلامی تبلیغ مارکسیسم - لنینیسم می شود هیچ گونه با منطق آرمان گرایی اسلامی سازگاری ندارد. " ۶

البته در ادامه آمده است که باید آزادی بیان را پاس داشت: " بسیار پسندیده است و پاس داشتن آزادی بیان و احترام به نگاه دیگران و تفکر آراءشان قابل تأمل است. " ۷

البته در ادامه میزان اعتقاد ایشان به آزادی بیان را بررسی می کنیم. ایشان آزادی بیان و عقیده را در این می دانند که عکس شریعتی باید در دیوار ها به جای عکس چه گوارا باشد: " همین افراد که یاد چه گوارا را گرامی می دارند امروز اجازه نمی دهند حتی عکس شریعتی را به عنوان شخصیتی برجسته معرفی کنیم. "

۸

گویا ایشان چندان به تلویزون جمهوری اسلامی نگاه نمی کنند که به طور متداول دارد از دکتر شریعی نام می برند! دوست عزیز باید بدانند که شریعتی و امثال او چندان مسئله ای برای حاکمیت نیستند. حاکمیتی که حتی مصدق و ملی گرا ها غیر دینی را هم مصادره کرده برایش کاری ندارد شریعتی را هم مثل یک فرزند نا خلف اما مسلمان سر سفره اش قبول کند. چون همه از آب شخور یک منافع طبقاتی خاص سر چشمه می گیرند.

البته ایشان در ادامه معنای واقعی تبادل فرهنگی را هم برای ما روشن می کند. البته مشکل آن جاست که ایشان بهتر بود به فرهنگ لغات مراجعه می کرد تا بفهمد تبادل یک عمل دو طرفه است نه این که تنها یک طرف به دیگری فرهنگ آن هم از نوع " جمال الدینی اسد آبادی " و شهدای گرانقدر دیگر اسلام! صادر کند:

" چراکه ما هیچ‌گاه تفکرات آن‌ها (کمونیست‌ها) را قبول نداشته‌ایم و کوبا با ما ۱۸۰ درجه تفاوت دارد. اگر بحث تعامل و تعادل فرهنگی است، باید از سوی طرف مقابل نیز همایش‌هایی برای بزرگداشت شهید چمران، سید جمال‌الدین اسدآبادی و شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی شاهد باشیم." ۹

آیا گفتمان سوسیالیستی قابل مصادره است؟

در ابتدای متن اشاره کردیم که جمهوری اسلامی قصد دارد گفتمان‌های مختلف را مصادره کند. در این چند وقت بارها دیده‌ایم که چگونه گفتمان ناسیونالیستی رنگارنگ به وسیله آنان مصادره شده است. گرامی داشت شعرای فارسی‌زبان که نمادی از ناسیونالیسم ایرانی اند، مطرح کردن بحث قومیت‌ها در قالب ناسیونالیسم عظمت‌طلب ایرانی، مطرح کردن کوروش کبیر و تاریخ گذشته عظیم ایران داستان فیلم ۲۰۰ و....

همه و همه نشان از عزم جدی حاکمیت برای استفاده از این گفتمان برای منافع خود که همانا امتیازگیری از طرف‌های خارجی در مناسبات سرمایه‌داری جهانی است می‌باشد. در این میان حاکمیت یک پروژه نیز برای مصادره گفتمان سوسیالیستی و ضد امپریالیستی هم داشت. متأسفانه به خاطر انحراف‌های که در میان طیفی از نیروهای به اصطلاح چپ وجود داشت این بستر برایش فراهم شد. طیفی که به واقع می‌توان آنان را در بهترین حالت جناح تندروی همان ملی‌گرای‌های ایرانی دانست اما با رنگ و لعاب چپ!

حال در این شرایط که گویا یکی از فازهای این پروژه که همانا سو استفاده از شخصیت‌های مبارز چپ مثل چه‌گوارا است شکست خورده فرصت بررسی بهتری برای ما به وجود آمده است.

نقطه تباين چپ‌ها و سوسیالیست‌ها با حاکمیت فعلی را باید در دیدگاه آنان نسبت به منافع اجتماعی - طبقاتی شان جستجو کرد. اسلام سیاسی در خاورمیانه هیچ جایگزینی برای مناسبات سرمایه‌داری ندارد! خود جزئی از سرمایه‌داری متاخر است. صورتبندی از این نظم بربریت‌وار! به جرات می‌توان گفت جناح‌های تندرو تر آن برای رفورم‌های اقتصادی تحمیلی سرمایه جهانی آمادگی بیشتری دارند همان‌طور که می‌بینیم بعد از روی کار آمدن احمدی‌نژاد و مطرح شدن ارجای اصل ۴۴ قانون اساسی حاکمیت اسلامی و بی‌کار سازی و تعرض گسترده به طبقه کارگر همه و همه نشان دهنده‌ی آن است که اسلام سیاسی تنها می‌خواهد با گرفتن امتیازهای بیشتر به نظم جهانی سرمایه‌بپیوندد!

در این میان تصور کودکانه‌ای که برخی از جوان‌ها لیبرال‌وطنی در این همان گفتمان چپ و سوسیالیستی با اسلام سیاسی دارند تنها لبخندی از سر دل سوزی برای ما بر می‌انگیزد! بهتر است این دوستان نیز به همان جریان‌های اصلی و بستر اصلی شان مثل نهضت آزادی بپیوندند و در کنار قبر کوروش کبیر در حالی که برای دفاع از منافع ملی (بخوانید منافع طبقه مسلط ملی) رژه می‌روند سرود ای ایران را با صدای بلند بخوانند!

۱- گزارش سخنرانی دختر چه‌گوارا / در آوای دانشگاه بخوانید

۲- خط قرمز لیبرالیسم ایرانی: نباید برای اندیشه‌های مارکسیستی‌تریون فراهم کرد / مصاحبه ایسنا با فعالان اسلام‌گرای دانشجویی / در سایت سلام دموکرات بخوانید

۲-همان/ در سایت سلام دموکرات بخوانید

۴- همان/ در سایت سلام دموکرات بخوانید

۵- همان / در سایت سلام دموکرات بخوانید

۶- همان/ در سایت سلام دموکرات بخوانید

۷- همان/ در سایت سلام دموکرات بخوانید

۸- همان/ در سایت سلام دموکرات بخوانید

۹- همان/ در سایت سلام دموکرات بخوانید